

محبت خداوند به گنهکارانِ توبه‌کار

وجود نازنین حضرت سیدالساجدین علیه السلام با زیرکی تمام خواسته خود را با کلام خداوند مستند می‌کند و به تعبیر عامیانه، سخن خود را به پای حضرت حق می‌گذارد: ^۱ «إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَ تَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ تُحِبُّ التَّوَّابِينَ».

این شکل از سخن گفتن، از زیبایی‌های کلام اولیای الهی است. امام می‌فرماید: الهی، تو خود وعده پذیرش توبه بندگان را داده‌ای و فقیر، ضعیف، غنی، عالم، جاهل، صغیر و کبیر، همه از این وعده برخوردارند. تو بشارت داده‌ای که توبه را از همه توبه‌کنندگان حقیقی می‌پذیری و دیگر پیگیر گناهانشان نمی‌شوی. از این فراتر، تو فرموده‌ای که توبه‌کاران را دوست می‌داری و با این سخن سراسر صفا و لطیف جان ایشان را به مهر تمام نواخته‌ای. اشاره امام به این آیه شریفه است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾^۲

به‌راستی خداوند توبه‌کاران را دوست می‌دارد و پاکی جویان را دوست می‌دارد.

با توجه به این آیه، یکی از عمده‌ترین راه‌های رسیدن به طهارت، توبه است. «تَوَّابٌ» صیغه مبالغه و به معنای بسیار توبه‌کننده است.^۳ خداوند کسانی را که بسیار توبه می‌کنند دوست می‌دارد. امام صادق علیه السلام در سخنی بسیار دل‌انگیز می‌فرماید:

۱. شوری، ۲۵.

۲. بقره، ۲۲۲.

۳. محمد بن حسین بن مفضل (راغب اصفهانی)، المفردات، ص ۱۶۹.

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُقْتَنَ التَّوَّابَّ»^۱.

قطعاً خداوند بنده‌ای را که در فتنه [گناه] افتد و بسیار توبه کند دوست می‌دارد.

در روایت زیبای دیگری چنین می‌خوانیم:


«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ رَاِحِلَتَهُ وَ زَادَهُ فِي لَيْلَةٍ ظُلْمَاءَ فَوَجَدَهَا فَاللَّهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ ذَلِكَ الرَّجُلِ بِرَاِحِلَتِهِ حِينَ وَجَدَهَا»^۲.

شادی و خرسندی خداوند به خاطر توبه بنده‌اش بیشتر است از شادی مردی که در شبی تار، شتر و ره‌توشه خود را گم کند و سپس آن را بیابد. پس خداوند از توبه بنده‌اش بیشتر شاد و خرسند می‌شود تا آن مرد که از پیدا کردن شتر و ره‌توشه خویش شادمان گشته.

فردی که در دل کویر، تمام دارایی‌اش مرکبش باشد و همه آذوقه‌اش را بار بر آن مرکب کرده باشد، اگر حیوان در دل شب از دستش بگریزد، دیگر نه نانی دارد که قوت بگیرد و نه آبی که رفع عطش کند و نه مرکبی که سوار بر او از این برهوت تنها و پرخطر جان سالم به‌در ببرد. ظلمت شب نیز پرده افکنده و چشمش جایی را نمی‌بیند که به جست‌وجوی حیوان خود برآید. در این حال، بی‌توش و توان و از شدت تشنگی له‌له‌زنان و نالان، در گوشه‌ای از بیابان می‌نشیند. اما به ناگاه در دل آن تاریکی دستش به جنبنده‌ای

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۳۵.

۲. همان.

◆ دعای ۳۱ شکوه نیایش 

می خورد و درمی یابد که مرکب اوست. حال سرور این فرد از شادمانی مرکبش وصف ناپذیر است. به فرموده معصوم علیه السلام سرور و شادمانی خداوند از بازگشت بنده گنهکار و توبه او، بسیار بیش از شادمانی چنین کسی است. البته گفتنی است که معصومان علیهم السلام این مفاهیم را با زبانی بیان می کنند که فهمیدنی باشد تا بدانیم که هیچ چیز به اندازه توبه گنهکاران محبوب حضرت حق نیست؛ حال آنکه حضرت او هیچ نیازی به توبه ما بندگان ندارد. حضرت حق با تمام غنا و بی نیازی و بزرگی اش، ما تردامنان و فرورفتگان در گناه و غفلت را این اندازه دوست می دارد و این چنین به ما محبت می ورزد و بازگشتمان به آغوش رحمتش را انتظار می کشد. در اینجا سخن از محبت به والامرتبگان وادی توحید و عبودیت نیست؛ بلکه صحبت از عشق و دلدادگی و اشتیاق حضرت جانان به بندگان گناه آلوده ای است که خاکسار و شرمسار به درگاهش می آیند و عاجزانه بخشش او را می طلبند؛ آن هم بندگان که نه یک بار و دوبار، بلکه پیوسته مرتکب معصیت شده اند و همواره از کرده های نادرست خود توبه می کنند.

به راستی که جای شگفتی است و باید پرسید: بارالها، مگر ما چه هستیم که این سان محبت و رأفت خود را نثارمان می کنی و با اینکه در محضرت دامن به عصیان آلوده ایم، چنین مهربانانه از توبه و بخشایش خواهی مان استقبال می کنی؟

توبه؛ راه رسیدن به محبت خداوند

حضرت امام سجاد علیه السلام پس از اینکه با خطاب «بسیار توبه پذیر» با پروردگار

سخن گفت و بر این صفت خداوند انگشت تأکید نهاد از او می‌خواهد: «فَاقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَّ وَ اَعْفُ عَن سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِنْتَ وَ اَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ». «اَوْجِبْ» از «وَجُوب» می‌آید و در اینجا معنای ثبوت می‌دهد؛^۱ یعنی بارالها، همان گونه که وعده پذیرش توبه داده‌ای، من هم آمدم. پس توبه‌ام را بپذیر و چنان که خود ضمانت کرده‌ای، گناهانم را ببخشای و از خطاهایم بگذر و آن‌گونه که خود شرط کردی که توبه یکی از راه‌های رسیدن به حُبّ توست، محبتت را بر من واجب کن و عشقت را در قلبم ثابت بدار. با مهندسی معکوس، از کریمه مبارکه ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ﴾^۲ (به‌راستی خداوند توبه‌کاران را دوست می‌دارد)، درمی‌یابیم که یکی از راه‌های رسیدن به محبت خداوند، توبه است.

مثال عرفی و عامیانه برای درک این مطلب، زن و همسری هستند که در اثر اختلاف، مدتی از هم دور شده‌اند و حتی طریق قهر پیشه کرده‌اند. هنگامی که باری دیگر محبت پیشین میانشان بجوشد و مهر و آشتی حاکم شود، ساعات ابتدایی این وصل بعد از فصل و مهر بعد از قهر، از خوش‌ترین ساعات زندگی مشترک ایشان است؛ زیرا هر دو طرف می‌کوشند این دوری را جبران کنند. بنده نیز آنگاه که به سوی پروردگار خود بازمی‌گردد، خوش دارد تمام هم و همتش را صرف نزدیکی و انس با پروردگارش کند. انسان گنهکار توبه‌کار، در پیشگاه معبودش احساس شکسته‌بالی و تردامنی می‌کند. از آن سو نیز خداوند پذیرای او می‌شود و آغوش مهرش را به روی این بنده می‌گشاید.

۱. حسین بن محمد بن مفضل (راغب اصفهانی)، المفردات، ص ۸۵۳.

۲. بقره، ۲۲۲.

محبت اکسیری بی‌مانند است که دریافتن مقصود آفرینش جز در پرتو آن میسر نمی‌شود. تا زمانی که محبت خداوند در جان بنده‌ای نیاید و شعله نکشد، او طعم ارتباط با خدا و لذت بندگی در پیشگاه او را نمی‌چشد. از همین رو آنچه ایمان را تعریف می‌کند و به آن بلندا می‌دهد، محبت است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾^۱ (و[لی] کسانی که ایمان آورده‌اند، شدت محبت بیشتری به خدا دارند)؛ زیرا اگر انسان عاشق شود، تمام همتش لبخند و رضای معشوق می‌شود:

جمله معشوق است و عاشق پرده‌ای

زنده معشوق است و عاشق مرده‌ای^۲

غیرت عشق بر نمی‌تابد که انسان به غیر محبوب خود نظر کند، چه رسد به آنکه آزار معشوق را نیز بر خود روا بدارد. این همه، از برکات عشق و محبت است. جانی که به کیمیای محبت خداوند دست یافته، کی راضی می‌شود تا حتی به قدر لحظه‌ای خلاف رضای معبود خود گام بردارد و بیندیشد. آن‌که در مسیر مخالف رضای حضرت دوست پیش می‌رود، جانش از معرفت و محبت کمی برخوردار است و تنها لاف عشق و محبت می‌زند. وجود نازنین امام باقر علیه السلام فرموده است:

تَعْصِي الْإِلَهَ وَ أَنْتَ تُظْهِرُ حُبَّهُ
هَذَا لَعْمُرُكَ فِي الْفِعَالِ بَدِيعُ

۱. بقره، ۱۶۵.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۶، بیت ۳۰.

لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ
إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ أَحَبَّ مُطِيعٌ^۱

آری، تمام همت حبيب آن است که هر چه بیشتر به محبوب خود شبیه شود و هر اندازه که می‌تواند در اطاعت از او و جلب رضایتش بکوشد. وجودی که از مهر یار آکنده شده، دیگر هیچ چیز را از خود نمی‌بیند. لازمه عاشقی پاک‌بازی است:

عشقبازی کار هر شیاد نیست
این شکار دام هر صیاد نیست
عاشقی را قابلیت لازم است
طالب حق را حقیقت لازم است^۲


در میان عاشقان حضرت حق، کیست پاک‌باخته‌تر از آن وجود شریفی که تمام فرزندان و یاران و هستی خود را نثار حضرت حق کرد و در لحظات پایانی عمر شریف خویش با زخم‌های بی‌شمار در تن و در خون خود غلطان، آخرین زمزمه‌اش این بود:

«يَا إِلَهِي صَبْرًا عَلَيَّ قَضَائِكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ»^۳.

۱. «خدا را نافرمانی می‌کنی در حالی که اظهار محبت به او داری؟ به جان تو قسم که این کار در میان کارها بسی تازه و عجیب است. اگر محبت تو راست بود حتماً از او اطاعت می‌کردی؛ چراکه مُحب در برابر محبوب خود مطیع و فرمان‌بردار است». حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۲۹۴.

۲. ناصرالدین شاه، دیوان کامل ناصرالدین شاه قاجار، ص ۱۲۵.

۳. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۸۲. همچنین نک: عبدالرزاق مقرر، مقتل الحسين عليه السلام، ص ۲۸۳.

◆ دعای ۳۱ ◆ شکوه نیایش 

ای خدای من، بر قضای تو صبر می‌کنم و معبودی جز تو نیست ای فریادرس
فریادخواهان.